

مقدمه

حکومتداری از جمله دشوارترین مسئولیتهایی است که بر عهده انسانها قرار گرفته است، زیرا حکمرانان علاوه بر اعمال خود، در برابر اعمال کلیه کسانی که تحت امرشان کار می‌کنند، مسئول‌اند و همچنین باید در برابر کامیابیها و ناکامیهای همهٔ آحاد جامعه پاسخگو باشند.

شاید به لحاظ همین دشواری، بسیاری از کسانی که به اهمیت حکمرانی واقف می‌شوند، از آن پرهیز می‌کنند و فاصله می‌گیرند؛ با این حال، عده زیادی نیز با اشتیاق فراوان برای جلوس بر مسند حکمرانی، به جان یکدیگر می‌افتند تا به قدرت بیشتری برای اعمال نفوذ در جامعه دست یابند، در حالی که در بسیاری از موارد، از اهمیت و پیچیدگی این مهم آگاهی ندارند - آگاهی و دانشی که باید در محیطهای علمی و تخصصی و دانشگاهها، به ویژه در حوزه‌های علوم سیاسی، اقتصادی، جامعه‌شناسی و در ساحت میان‌رشته‌ای مدیریت دولتی و اداره دولت و حکومت کسب شود و در میدان عمل آزموده و هنرمندانه به کار گرفته شود.

معمولاً در برابر این مهم که اداره دولت نیازمند تخصص است، این ادعا مطرح می‌شود که تجربه مقدم بر دانش است که در پاسخ، به سادگی اشاره می‌شود که تجربه‌ای مقدم بر دانش است که مبتنی بر دانش باشد؛ یعنی این تجربه دانشمندان مجرب است که بر دانشمندان بی‌تجربه برتری دارد؛ در غیر این صورت تجربه جاهلان، تجربه بی‌حاصل افرادی است که به لحاظ ناشایستگی، غاصب مسند حکمرانی بوده، آنچه اندوخته‌اند، سابقه ظلم و ستمی است که از نادانی یا جهل ایشان ریشه گرفته است (ر.ک. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷، ۶۵-۶۷).

پس ضمن تأکید بر اهمیت تجربه حکمرانی، تأکید مضاعف می‌شود که

تجربه بدون دانش یا تجربه جاهلان غاصب، ارزشی بیش از آزمون و خطاهای بدون تدبیر ندارد، آزمون و خطایی که هزینه آن را جامعه بشری در نسلهای متوالی می‌پردازد؛ آزمون و خطایی که به برنامه‌های ملی سرایت می‌کند (Paya & Baradaran, 2010) و منافع نسلهای آینده را به شدت تهدید می‌کند.

با این مقدمه، تأکید می‌شود که صاحب‌منصبان بخش عمومی و کارکنان عالی‌رتبه دولتی باید حداقلهایی از دانش و تجربه داشته باشند تا بتوانند خردمندانه عهده‌دار هدایت منابع ملی شوند، منابعی که متعلق به بسیاری از انسانهایی است که هنوز متولد نشده‌اند و سوءتدبیر نسل حاضر ممکن است آنها را بدهکار یا قرین بدفرجامی و رکود و فقر سازد؛ درحالی که حسن تدبیر آنان، سرمایه ارزشمند نیک‌فرجامی و حسن عاقبت نسلهای بعدی خواهد بود (پورعزت، ۱۳۸۹).

با این مقدمه تأکید می‌شود که آینده‌پژوهی، ویژگی ناگزیر دانش‌پژوهان مدیریت دولتی، اداره دولت و حکمرانی است؛ دانش‌پژوهانی که باید همواره در عاقبت آنچه انجام می‌دهند، اندیشه کنند (ر.ک. بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۳۳۹)، اندیشه‌ای که سیر تسلسلی پیامد هر تصمیم یا اقدامشان را مد نظرشان قرار دهد و آنان را نسبت به آینده آحاد جامعه بشری نگران، مسئول و حساس سازد.

این کتاب در امتداد کتابهای پیشین مؤلف، به ویژه مبانی دانش‌پژوهان دولت و حکومت نگاشته شده است؛ با این هدف که مباحث اداره دولت و حکمرانی را به زبان ساده‌تری برای دانش‌پژوهان مدیریت دولتی عرضه کند؛ از این رو، دانش‌پژوهان این رشته علمی باید توجه داشته باشند که این کتاب صرفاً مقدمه‌ای برای درک بهتر کتاب مبانی دانش‌پژوهان دولت و حکومت است.

سخن گفتن با دانش‌پژوهان عرصه حکمرانی دشوار است، زیرا هر جمله می‌تواند تأثیری در سرنوشت مجموعه وسیعی از انسانها داشته باشد (Denhardt, 2000, 1)؛ از این رو، مؤلف این کتاب با توجه به سنگینی این مسئولیت، از دادن پاسخ قاطع به سؤالات دانش‌پژوهان این رشته علمی می‌پرهیزد، زیرا هر پاسخ قاطعی به سؤالات برخاسته از مشکلات بشری، ممکن است پاسخی ناپایدار باشد؛ در واقع پاسخ دادن به سؤالات مربوط به ساحت حکمرانی، وظیفه کسانی است که پس از تلاش

صادقانه، مسئولانه و حکیمانه در مسیر کسب دانش، در مقام اجتهاد و پژوهشگری حول مسئله‌ای خاص متمرکز می‌شوند و هم‌خویش را صرف حل آن می‌کنند تا مسئله معینی را در برهه معینی از زمان و برای جمعیتی مشخص، حل کنند!

البته این سخن، احتمال الگوبرداری و تسری دانش و انتقال معرفت را نفی نمی‌کند، بلکه بر ویژگی «منحصربه‌فرد بودن مسائل حکمرانی در اینجا و اکنون» تأکید دارد؛ یعنی نویسنده بر آن است که مسائل حکمرانی ممکن است ویژه و منحصربه‌فرد باشند و هر مسئله یک بار، اینجا و اکنون رخ بنماید (Sterba, 1998). بنابراین برخلاف روشهای ریاضی‌ای که دانشمندان با استفاده از آنها، از طریق آزمودن مکرر راه‌حلها، به اتحادها و فرمولها و رابطه‌های از پیش تعریف و طراحی شده دست می‌یابند، دانشمندان عرصه حکمرانی بر ضرورت کسب مهارتهایی فراگیر برای هنرنمایی در میدان اندیشه و علم تأکید می‌کنند. این تأکید بر همراهی و التزام اندیشه و عمل، تأکیدی بر این مهم است که مدیر دولتی و کارگزار امر عمومی، باید نظریه‌پردازی هنرمند باشد (ر.ک. Hatch, 1997, 52) تا بتواند از عهده مسئولیت سنگین خویش برآید. بنابراین، اگر پرداختن به مباحث نظری در سایر علوم ضروری است، بر این مهم در دانش اداره دولت و حکومت تأکید مضاعف می‌شود.

نگارش این کتاب حاصل بهره‌مندی مؤلف از محضر استادان و معلمان ارجمندی است که ذکر نام همه آنها در این مجال میسر نیست؛ ضمن اینکه نویسنده خود را وامدار بهره‌مندی از هم‌رأیی و مصاحبت با همکاران بزرگواری می‌داند که در مجادله‌ها و مخالفتها و انتقادها یا احیاناً تأییدهای خود، دریچه‌های جدیدی از فهم را فرا راه او گشوده‌اند. همچنین یادآوری می‌شود که شغل معلمی، اشتغال دائمی به آموزش است و چه بسا که هر کلاس درس، بیشترین بهره آموزشی را برای معلم داشته باشد؛ به ویژه معلمی که توفیق می‌یابد پاسخگوی سؤالات هوشمندانه و متفکرانه و بلکه حکیمانه دانش‌پژوهانی هوشیار، مسئولیت‌شناس و مسئولیت‌پذیر باشد.

در اینجا از همه آنان تشکر می‌کنم و به ویژه در این میان بر خود لازم می‌دانم

که از همکار بزرگوار جناب آقای دکتر ابراهیم برزگر قدردانی کنم که در بازبینی دروس رشته مدیریت دولتی در سال ۱۳۷۵، یار صدیق و همکار مسئول و متعهد مؤلف بوده‌اند. همچنین اقرار می‌کنم که پژوهشگران و دانشمندان ارزشمندی محرک ذهن مؤلف در تدوین این کتاب بوده‌اند، به ویژه دانشمندان فرهیخته‌ای چون دوایت والدو، جرج چ. فردریکسون، رابرت دنهاوت، و ژوز رادشلدرا! دانشمندانی که بخش مهمی از عمر خویش را صرف توسعه دانش اداره دولت و حکومت کرده‌اند.

در همین امتداد، مؤلف بر خود لازم می‌داند که از همکاران ارجمند خویش به ویژه سرکار خانم دکتر غزاله طاهری عطار، هاشم سوداگر، و ماجد ناجی که با بازخوانی این متن و طرح سؤال درباره مباحث اساسی آن، طی همکاریها و مساعدتها و بردباریهای مشفقانه، او را یاری داده‌اند، صمیمانه تشکر کند.

در همین جا اشاره به یک نکته ضروری می‌نماید و آن اینکه این دانش، دانشی جوان بوده، به شدت مستعد رشد و توسعه است؛ بنابراین لازم است کتابها و مقالات بسیاری درباره آن نگارش یابد و پژوهشهای گسترده‌ای انجام پذیرد تا به تدریج، دانسته‌های بشری در این باره قوام یابد. در این عرصه از دانش سؤالات متعدد و مسائل گوناگونی طرح شده است. تصور رایج این است که یک کتاب علمی باید به چنین سؤالاتی پاسخ دهد. اما نظر مؤلف معطوف به نکته دیگری است! نویسنده نه مترصد پاسخ گفتن به سؤالات گوناگون در حوزه علم اداره است و نه به این شیوه اعتقادی دارد! بلکه مهم‌ترین اعتقاد او در تعلیم و تربیت، طرح پرسش و پاسخهای مکرر است! این شیوه که شاید بتوان آن را شیوه‌ای منطقی در آموزش فرض کرد، در پرتو باور به این مهم شکل گرفته است که پاسخهای جزمی، جمودآورند و بت‌انگاران مدّ نظر دانش پژوهان بی‌پناهی قرار می‌گیرند که صادقانه به محضر استادان وارد می‌شوند. شک نیست که بهترین استادان، آنهاییند که بتهای ذهنی و عینی را با سرعت بیشتری در هم می‌شکنند و از بت شدن خویشتن به سان گوساله سامری می‌پرهیزند. در پایان جا دارد که نویسنده از جناب آقای کافی‌زاده، استاد زبان انگلیسی و علوم تجربی اول راهنمایی خویش

یاد کند؛ استادی که بیش از درس زبان و علوم تجربی، شیوه‌رهایی از اندیشه‌های جزم‌آور بت‌سان را می‌آموخت و در همین امتداد از خود نیز هیچ نام و نشان دقیقی برای شاگردانش باقی نگذارد تا نام او نیز انگاره‌ای از تصویر جزمی یک معلم خوب نسازد و در ذهن شاگردانش، همواره مفهوم معلم خوب در حال رشد و ارتقای معنی باقی بماند.

علی اصغر پورعزت

فروردین ۱۳۹۰

دانشیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه تهران